



گشتی در بازار ترقه فروش‌ها در آستانه چهارشنبه سوری

از قاشق‌زنی تا جنگ شهری

محمد معصومیان
گزارش نویسنده

مدل‌های مختلفی انتخاب می‌کنند و والدین در سکوت به رفتار سرشار از هیجان آنها خیره می‌شوند. خیره ماندن و انفعالی که گاهی تبعات جدی در زندگی کودکان دارد. سالی نیست که چهارشنبه آخر سال بدون کشته یا زخمی شدن کودکان سپری شده باشد. جشنی کوچک که سالیان دور با سنت‌های ایرانی مانند یختن آتش و مراسم قاشق‌زنی همراه بوده، جای خود را به ترکاندن بمب و ترقه داده است و خسارت‌های جبران‌ناپذیری به کودکان وارد می‌کند. از ابتدای خیابان پانزده خرداد می‌توان فریاد فروشنده‌های ترقه را شنید: «لوازم چهارشنبه‌سوری اینجاست»، «انواع ترقه

برای چهارشنبه‌سوری» گله می‌توان بساط دستفروشان ترقه را دید که گوش بزرگ دیدن کودکی هستند تا صدای خود را بلندتر کنند. مردانی که به امید کسب درآمدی به بهانه چهارشنبه آخر سال با جعبه‌ای در دست در شلوغی جمعیت نشسته یا ایستاده مشغول فروش هستند. البته کار راحتی هم ندارند چون وقتی به تجمع چندتا از آنان می‌رسیم که در کنار هم مشغول فروش هستند بحث از ماموری بالا می‌گیرد که بساط یکی از آنها را با خود برده است.

داخل جعبه، ترقه‌ها در شکل‌های مختلف چیده شده‌اند؛ مانند یک جعبه پر از مهمات

پروانه‌ای، لاک‌پشتی، بیازی، آبشاری؛ اینها اسامی فنون ورزش‌های رزمی نیست بلکه نام ترقه‌هایی است که این روزها در بساط ترقه‌فروشان پیدا می‌شود. چند روز مانده به چهارشنبه آخر سال در بازار بزرگ تهران قدم به قدم می‌شود بساط آنها را دید که در جعبه‌های مقوایی مدل‌های به روز شده ترقه‌هایی برای آتش‌بازی را به نمایش گذاشته‌اند و کودکی نیست که از کنار آنها بگذرد و چشمش از خوشحالی برق نزند؛ دست پدر و مادر را می‌کشند و مانند یک متخصص از بین

جنگی. یکی که به‌نظر برای بچه‌ها از همه جالب‌تر است نارنجکی پلاستیکی است که از لبه‌های جعبه به سمت بیرون آویزان است. همه چیز شبیه نارنجک است جز فتیله‌ای که بالای آن قرار دارد. یکی دیگر شبیه فشنگی واقعی است که به‌جای مرمی یک فتیله دارد که بعد از روشن کردن آن می‌توان پرتابش کرد. بعضی هم بزرگتر هستند شبیه یک قوطی شیرخشک که حتی خود فروشنده هم می‌گوید: «آن یکی خطرناک است و به درد بچه‌ها نمی‌خورد.» سیگارک هم پایه ثابت همه بساط‌هاست که در بسته‌های شصت تایی به قیمت ۳۰ تا ۴۰ تومان به فروش می‌رود.

به‌سختی می‌توان بین جمعیتی که راه را بند آورده‌اند قدم زد. در بین این همه شلوغی اما مردان ترقه‌فروش مشغول کار هستند. یک پسر نوجوان روبه‌روی بازار کف‌ش‌ها با بساطی نیمه‌خالی ایستاده است. نگاهی به بساطش می‌اندازم که سرورکله دوستش با نایلون سیاهی پیدا می‌شود: «آقا جنس جدید آوردم.» از داخل نایلون سیاه چند مدل آتش‌زا در می‌آورد و توضیح می‌دهد که هر کدام چه کاربردی دارد. این دو که هرکدام بیشتر از ۱۳ یا ۱۴ سال سن ندارند از سیگارک خارجی که به دست‌شان رسیده حسابی تعریف می‌کنند. یک بسته را برمی‌دارند و نشانم می‌دهند که روی آن به انگلیسی نوشته شده «ساخته شده در چین»

و از نظر آنها باقی اجناس در بازار ایرانی و «به‌دردنخور» هستند. از آنها می‌پرسم از کجا این اجناس را می‌خرند و یکی از آنها با لحن پخته یک بازی کارکشته می‌گوید: «ما عمده می‌خریم». دیگری هم هیجان‌زده می‌گوید: «آنها داریم». می‌پرسم پولش را از کجا آورده‌اید که می‌گویند: «ما که پول نداریم، پدرمان پول می‌دهد ما می‌فروشیم.»

کمی آنطرف‌تر مرد جوان دیگری جعبه پر از مواد آتش‌زا و ترقه را روبه‌روی موتور گذاشته و خودش بی‌حوصله در گوشی موبایل می‌چرخد. سر حرف را که باز می‌کنم از کار و کاسبی ضعف امروز می‌نالند که از صبح تا لالان که ساعت ۲ بعداز ظهر گذشته، تنها ۱۰۰ هزار تومان فروخته است: «اکل این بساط من پنج میلیون می‌آورد. اگر مأمور بگیرد که همه‌اش خداکفایت. بیشتر آدم‌های خوبی هستند و ول می‌کنند. ۲ روز پیش من را بردند پاسبان اما یک سرنگی بود درود به



داخل جعبه، ترقه‌ها در شکل‌های مختلف چیده شده‌اند؛ مانند یک جعبه پر از مهمات جنگی. یکی که به‌نظر برای بچه‌ها از همه جالب‌تر است نارنجکی پلاستیکی است که از لبه‌های جعبه به سمت بیرون آویزان است. همه چیز شبیه نارنجک است جز فتیله‌ای که بالای آن قرار دارد. یکی دیگر شبیه فشنگی واقعی است که به‌جای مرمی یک فتیله دارد

می‌توان پرتابش کرد

شرفش، گفت ولش کنید برود.»

پسر جوان، شاگرد نانوايي در یکی از شهرهای لرستان است و با پولی که برادرش به او داده، این بساط را راه انداخته است: «الان ۱۰ روز است آمده‌ام تهران کاسبی کنم تا شب عید دست خالی نباشم. زن و بچه خرج دارد و شاگرد نانوايي بودن پولی ندارد. وضعیت اقتصادی را که می‌دانی چطور است؟»

کمی جلوتر دو پسر مشغول قیمت گرفتن از فروشنده هستند. از دور نگاهشان می‌کنم که چقدر دقیق مشغول برانداز کردن اجناس هستند و از فروشنده پرس و جو می‌کنند. می‌خواهند دوبسته سیگارک بخرند و آخر با چانه

عمودی: ۱- قله‌زاگرس - عظمت، شکوه - بی‌بیم شدن

۱۱- گلی خوشبو - یکی از یخش‌های اوستا - برداشت

۱۲- زنبور ارگل

۱۳- زاکت زنانه - پخشنده قبیله «طی» - پول معاش

۱۴- قدم‌بیکر - نقوش قالی - اشکبار

۱۵- نم‌پس‌نمی‌دهد - یکی از رشته‌های ورزشی اسکی آلپاین

زند ۵ هزار تومان هم تخفیف می‌گیرند البته به شرط اینکه فروشنده سیگارک را جلوی آنها تست کند که سالم باشد. فروشنده هم با فندک یک سیگارک آتش می‌زند و چند ثانیه بعد همه آدم‌های اطراف از جایشان بالا می‌پرند. دو پسر سیگارک‌ها را در جیب می‌گذارند و چند ثانیه بعد میان آنبوه جمعیت غیب می‌شوند. سراغ فروشنده می‌روم و بدون پرسیدن چیزی انگار که هول شده باشد توضیح می‌دهد که ترقه‌ها چطور کار می‌کنند: «این یکی پروانه‌ای است ۵ متر می‌رود بالا و یک صدای هوووو می‌دهد که لذت می‌بری، آن یکی هفت ترقه است...» می‌پرسم اگر کودکی از او بمب‌های بزرگ یا ترقه کیسولی بخواهد می‌فروشد؟ نگاهی مشکوک می‌کند: «اگر با پدر و مادرش باشد می‌فروشم. این دوتا هم چون سیگارک می‌خواستند به آنها فروختم و اگر من خودم بچه دارم می‌دانم خطرناک است و خدای نکرده اگر درست استفاده نکنند، کار دست خانواده می‌دهند.»

در بازار قدم می‌زنم که یک‌دفعه سه فروشنده، جعبه بساط شان را برمی‌دارند و به سمت کویچه‌ها فرار می‌کنند، آن دستفروشان که پیش‌تر دیده بودم هم دیگر در جای خود نیستند. انگار مجبورند به سبک جنگ‌های نامنظم دانم جا عوض کنند تا گیر نیفتند. مأموران نیروی انتظامی همه جا هستند. نزدیک یکی از آنان می‌روم و می‌پرسم آیا بساطی‌های ترقه را جمع می‌کند؟ او با خنده توضیح می‌دهد: «ما می‌دانیم که آنها هم شب عید در حال کاسبی هستند و کار خاصی با خودشان نداریم ولی بساط آنها را جمع می‌کنیم. همین چیزهایی که اینها می‌فروشند در شیرینی‌فروشی‌ها هم هست و مردم می‌توانند از آنجا خرید کنند که اجناس کم‌خطرتری دارند.»

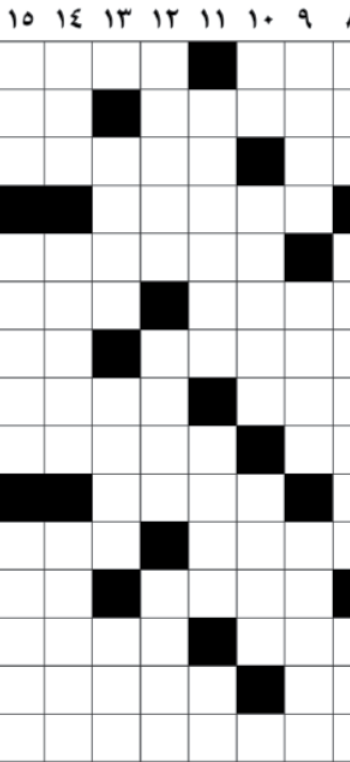
در راه برگشت به خاطرات کودکی خودم در چهارشنبه‌سوری فکر می‌کنم. خاطرم هست در کویچه بن مسطاد و مادرهای محل آتش کوچکی به پا می‌کردند و ما از روی آن می‌پریدیم. یکی آتش می‌بخت و دیگری شیرینی خانگی بین همسایه‌ها پخش می‌کرد، نه صدای ترقه‌ای بود و نه آماري از کشته و زخمی‌های بازمانده از یک جنگ شبانه. راستی از کجا پای این لوازم پرسرودا به فرهنگ ما باز شد؟ همه چیز شاد بود و صدای ترق ترق سوختن چوب در آتش گوش‌نوازترین صدایی بود که می‌شنیدیم.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۸۶۴

- ۱- پول کشور آفتاب تابان - حرف یونانی - جمع
- ۲- لقب مولانا - لیگ فوتبال اروپا - از نقاط دیدنی بوشهر
- ۳- ویتامین عدس - دوزن که یک شوهر داشته باشند - پرند قطب جنوب
- ۴- آرایش بزرگ جنگی - جمع و سوسه - رئیس جیمز باند
- ۵- «تان پاره» گدایی - کیش - قایق باریک و کوچک
- ۶- لقب مردان - نوعی آبر - سرموی ریخته
- ۷- بشارت دهنده - طرف آزمایشگاهی - دختر پادشاه
- ۸- کمرنگ - دوری از یار - گونه‌ای موسیقی
- ۹- رود «برزیل» - مقابل «مقصود» - داغ کردن
- ۱۰- مخالف - بیماری سگی - نشسته
- ۱۱- جمع رأس - شکوه‌گر - حشره پشم‌خوار
- ۱۲- سخن‌شویا - زخم خورده - روشنایی کم
- ۱۳- کمترین اندازه - امیدوار و مطمئن - سد مشهد



جدول ویژه شماره ۷۸۶۳



جدول عادی

افقی:

- ۱- آینه‌عبرت - سنگی شفاف وزینتی
- ۲- کاهش قیمت - کشور «پاریس» - به دنیا آوردن
- ۳- از ابزار - ماه رومی - به آخر رسیده
- ۴- بازعامیانه - زره - لحظه به لحظه
- ۵- نام «دلون» - عنصر ذاتی - کنایه از گناهکار
- ۶- جانور تک سلولی - نام زنانه - اصطلاحی در عکاسی
- ۷- باقی، ناتوان - از علامت نگارشی - فلز گرانبها
- ۸- دیوار - از رنگ‌ها - طبقه اول اعداد
- ۹- حرف ربط - رقیب «کارو» - ماده رنگی جامدی برای نقلی
- ۱۰- قله‌زاگرس - عظمت، شکوه - بی‌بیم شدن
- ۱۱- گلی خوشبو - یکی از یخش‌های اوستا - برداشت
- ۱۲- زنبور ارگل
- ۱۳- زاکت زنانه - پخشنده قبیله «طی» - پول معاش
- ۱۴- قدم‌بیکر - نقوش قالی - اشکبار
- ۱۵- نم‌پس‌نمی‌دهد - یکی از رشته‌های ورزشی اسکی آلپاین

عمودی:

- ۱- پایتخت «کانادا» - سرمربی «استقلال» - مزه حقیقت
- ۲- سردخانه خانگی - شهر اروپایی غنی از مواد معدنی - یار «رامین»
- ۳- ادای پیمان - کتاب «امیل زولا» - سخت نیست
- ۴- نام پسرانه - آموزگار - وسیله سنجش
- ۵- مارکی بر لوازم خانگی - خوبرو - نوعی ماده سفید کننده
- ۶- شورش و ازدحام - تَرک ظروف شکسته را می‌گرفت - فوت و فن
- ۷- زیرخاکي - پشتیبان - زندگان
- ۸- عقاید شمردنی - صداقت عامیانه - حکم
- ۹- واحدی در طول - توانایی - درجه ارتشی
- ۱۰- تکراریک حرف - لاغرا - سریالی با حضور گلچهره سجادیه
- ۱۱- آسمان‌ها - ورم - از مصالح ساختمانی
- ۱۲- فارغ‌التحصیل در یک رشته فنی - فشنگ - ویران کننده
- ۱۳- پاک - فروتنی - بسیار کوچک
- ۱۴- طعم - جمع وزن - طرز قاعده
- ۱۵- حکم دادگاه - خواهی نشوی رسوا... جماعت شو - صدای برخورد

جدول ویژه

افقی:

- ۱- کتاب تاریخی «احمد بن محمد مسکویه» - شگفت‌اختر
- ۲- گاوچران - آبشاری در خلخال - کام
- ۳- دوران - تقلا - شرکتی تولیدکننده تریلر
- ۴- افاده - مجلس قانونگذاری تایوان - نجات
- ۵- گمان - از زبان‌های سنتی ما - حالتی در دریا
- ۶- وسیله بهتر دیدن - عکس - شناسنامه
- ۷- شاعر (فیه مافیه) - نوعی توهم - شریان بدن
- ۸- باخیر - اصالت این ساز به کشور ایتالیا برمی‌گردد - سرزمینی قدیمی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۸۹۵

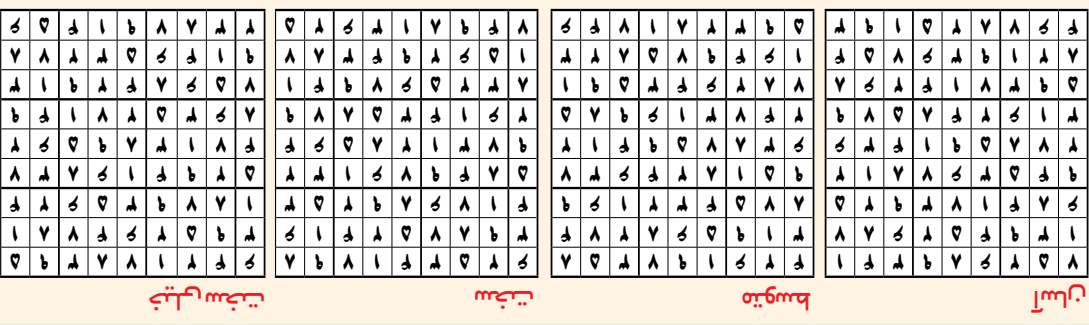
| متوسط | | | | |
|-------|---|---|---|---|
| ۵ | ۳ | ۹ | | |
| ۱ | ۵ | | | |
| ۹ | ۷ | ۵ | ۴ | |
| | | ۲ | ۴ | ۳ |
| ۲ | | ۵ | | |
| | ۴ | ۷ | ۳ | ۱ |
| | | ۳ | ۵ | ۹ |
| | | | ۵ | ۲ |
| ۹ | ۳ | | ۸ | |

| خیلی سخت | | | | |
|----------|---|---|---|---|
| ۹ | | | | |
| ۱ | | ۶ | | |
| | | ۳ | ۵ | |
| | | | ۳ | |
| | | | ۲ | ۳ |
| ۴ | ۷ | ۱ | ۸ | |
| | | ۶ | | |
| | | | ۵ | |
| ۹ | | | | |
| | ۳ | | | |

| آسان | | | | |
|------|---|---|---|---|
| ۴ | | ۹ | ۸ | ۷ |
| | ۳ | ۹ | | |
| | | ۴ | ۱ | ۷ |
| ۲ | | | | |
| ۲ | ۸ | | ۳ | ۵ |
| | | | ۶ | |
| | | ۸ | | ۳ |
| | | ۱ | ۴ | ۲ |
| | ۷ | ۵ | | |
| | | | ۸ | ۲ |
| ۴ | ۶ | | | |

| سخت | | | | |
|-----|---|---|---|---|
| ۹ | | ۴ | ۳ | ۲ |
| ۶ | | ۴ | ۲ | |
| | | ۸ | | ۷ |
| | | | ۹ | ۸ |
| ۲ | ۱ | | | |
| | | ۵ | | |
| | ۱ | | | ۲ |
| | | | ۶ | ۹ |
| | | | | ۱ |
| | ۶ | ۲ | | |
| | | | ۱ | ۳ |
| | ۴ | | | |

حل جدول سودوکو شماره ۳۸۹۵



پیدا کردن

پیدا کردن

پیدا کردن

پیدا کردن